### ابزار دست­یابی به مدلول جمعی و جمع دلالی برای مدل­­سازی

در صفحه 162 بیان شد که هر فرآیندی یک حرکت و تغییر است و هر حرکت و فعالیتی، نیاز به تعیین نقطه شروع (بدء الموضوع او المساله)، مقصد (غایه الموضوع)، مسیر و جهت حرکت (حیث الموضوع او المساله)، و مراحل حرکت (الترتیب و المراحل) دارد، سبب حرکت (علت فاعلی)، شرایط و زمینه مناسب برای حرکت (الشرایط)، تعیین کمیت و کیفیت حرکت (علت صوری)، مرکز ثقل و هسته اصلی حرکت (ما لایتم الموضوع الا به، ما ینعقد الموضوع به)، و رفع موانع حرکت (الخلل و الموانع) دارد. این قاعدۀ کلی، از قوانین کلان هستی است (ر.ک. مُقوِّمات سِتِّه حرکت، در بحث قوه و فعل در فلسفه اسلامی[[1]](#footnote-1))، و به علت زیرساختی بودن این قاعده در هستی، سیره عقلائیه نیز براساس همین توصیف از حرکت و تغییر، عمل کرده است. بنابراین می­توانیم با استناد به دلیل عقلیِ قطعی و سیره عقلائیۀ قطعی، به­دنبال ترتیب دادن به گزاره­های ارائه شده در جدول فوق اقدام نماییم:

**نقطه شروع** فرآیند یادگیریِ بهینه کجاست؟ پاسخ: **شروع با مساله و سوالی که دغدغه متعلم را برانگیزد و در او رغبت ایجاد کند و تفکر او را فعال سازد. (ترکیب روایات 6 و 3 و 5)**

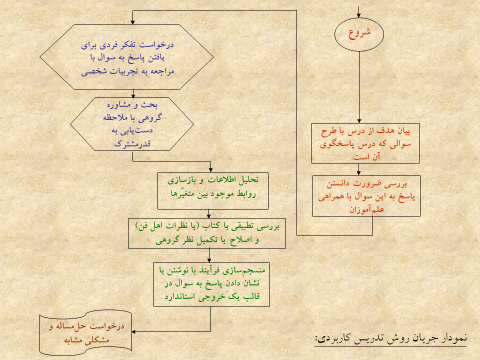
مقصد **در فرآیند یادگیری چیست؟ پاسخ: رسیدن احساس عینی آثار مطلب درس در حل مسائل زندگی و مهارت استفاده از آن برای حل مسائل زندگی و مهارت تعمیم و حل مسائل مشابه. (ترکیب روایات 9 و 10 و 4)**

**مرکز ثقل** و اهرم اصلی در فرآیند یادگیری کجاست؟ پاسخ: فعال­سازی تفکر در سه بُعدِ تحلیل، تطبیق و نقادی (ترکیب روایات 5 و 7 و 8)

**نقطه بحران** در فرآیند یادگیری چیست؟ پاسخ: ایجاد فضای حافظه­محوری (ترکیب روایت 4 و 5)

**مراحل اجرا** در فرآیند یادگیری بهینه چگونه است؟ (پس از شروع با مساله) پاسخ: 1- ایجاد زمینه تفکر برای کشف روابط موجود میان مفاهیم یا مولفه­ها در متن یا پدیدۀ مورد مطالعه (تفکر تحلیلی و کشف منطق موجود در متن) ← 2- ایجاد زمینه برای مقایسه میان حاصل تفکری که توسط متعلم صورت گرفته است با دیگران، به هدف کشف موارد خطا و نقص در تفکر خودش و اصلاح آنها (بررسی تطبیقی و نقادانه) ← 3- ایجاد زمینه برای شناسایی آثار عملیِ مطلب درس (بررسی کاربردی) ← 4- ارائه مسائل جدید برای حل­کردن براساس قواعد یافت شده و دست­یابی به آثار عملی.

می­توان نمودار جریان این فرآیند را در تصویر زیر ترسیم کرد:



مقایسه میان وضعیت موجود در فرآیند یادگیری با وضعیت مطلوبی که در بالا ترسیم شد را می­توان این­گونه نشان داد:

(وضعیت موجود) (وضعیت مطلوب)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | جريان سيستم | انتقال اطلاعات به ذهن علم‌آموزان |
|  | رفتار سيستم | حضور علم‌آموز و استاد در كلاس🡸 انتقال محتواي درس توسط استاد به‌صورت سخنراني 🡸 تلاش علم‌آموز براي ثبت و فهم مطالب🡸 مرور دوباره مطالب درس بعد از كلاس 🡸 حضور دوباره سر كلاس |
|  | نقطه ثقل سيستم | سخنراني استاد |
|  | نقطه بحران در سيستم | حواس‌پرتي علم‌آموز |
|  | اولويّت‌گذاري و تعيين ضريب اهميت عناصر سيستم | وجود متن آموزشي  🡻  سخنراني توضيحي استاد  🡻  حفظ مطالب |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | جريان سيستم | فعال‌سازي ذهن علم‌آموزان |
|  | رفتار سيستم | برقراري ارتباط ادراكي ميان استاد و شاگردان🡸 زمينه‌سازي استاد با طرح سوال و مسالة كاربردي و مرتبط با صحنة‌ زندگي براي فعال‌شدن ذهن شاگردان جهت توليد جواب🡸 تفكر علم‌آموزان🡸 مباحثه و مطالعه تطبيقي يافته‌ها🡸 توليد پاسخ گروهي🡸 نقد و بررسي پاسخ‌ها و توليد پاسخ بهينه🡸 تكميل و اصلاح پاسخ كلاس با مقايسه با پاسخ متن يا پاسخ استاد يا منابع معتبر🡸 نوشتن مقاله تحقيقي (نَه جمع‌آوري) در مورد موضوع درس به‌طوري‌كه حداقل به يك مورد از مسائل زندگي تعميم داده شده باشد. |
|  | نقطه ثقل سيستم | توليد پاسخ توسط فراگیر |
|  | نقطه بحران | ابهام سوال و مساله­ای که مطرح شده است |
|  | اولويّت‌گذاري و تعيين ضريب اهميت عناصر سيستم | وجود سوال و مساله  🡻  تفکر تحلیلی، تطبیقی و نقادانه  🡻  ارائه اثر و محصول |

براساس مطالب فوق، می­بینیم که لازمۀ تولید نظام­ها، عبور از ارائۀ فقط«سبدی از احکام برای موضوع مورد نظر» و رسیدن به «ترکیب ادله به­صورت یک سیستم و مدل» است؛ لذا به جهت اهمیت این موضوع، توضیح تفصیلی در زیر ارائه شده است.

1. (طباطبایی, بی‌تا)، نهایه­الحکمه، نشر جامعه مدرسین، قم، ص201 [↑](#footnote-ref-1)